

به نام خدا

تقدیم به:

همه ی معلمان مناطق محروم که ایثار کارشان و صبر مرامشان است ، آنانی که افق دیدگانشان عزت ایران و اقیانوس دل هاشان آکنده از عشق به فرزندان معصوم این مرز و بوم است . بی آن که از ایشان نامی باشد ، نام و نشان این مرز و بوم ثمره ی مجاهدت های آنان است ، اگر چه دنیایشان نشد ، آخرتشان مملو از اجر و الطاف الهی باد .

تقدیر

چکیده

پژوهش حاضر به صورت کیفی از نوع درس پژوهی با عنوان ((تقویت خداشناسی در بین دانش آموزان کلاس های چند پایه ، سوم و چهارم)) و در مدرسه ی ابوذر اجرا شده است .

این درس پژوهی به صورت گروهی و با مشارکت سه نفر از همکاران فرهنگی با موضوع مذکور به اجرا در آمد .

از آن جا که مساله ی ((خداشناسی و تقویت این امر)) از موضوعات بسیار مهم و جزو اهداف غایی و عالی دوره ی ابتدایی می باشد ، لذا چالش های پیش روی گروه در این حوزه این بود که ما چگونه می توانیم در تدریس دروس مرتبط با خدا شناسی به صورت موثر عمل کرده و اهمیت ذکر و یاد و نام خدا را به صورتی شایسته به دانش آموزان بفهمانیم .

پس از اجرای طرح درس اولیه (سناریو) و بازبینی آن ، نهایتا سناریو در کلاس تدریس و توسط اعضای گروه به مشاهده و نقد و تحلیل گذاشته شد و در تدریس مجدد نیز اصلاحاتی صورت گرفت که نتایج ذیل از این اجرا حاصل گردیده است :

۷ وجود دوربین و همکاران ناظر در کلاس موجب جلب توجه دانش آموزان و خروج کلاس از روند طبیعی می گردد که در تدریس مجدد سعی در رفع این اشکال گردید .

۷ برخی از دانش آموزان بسیار کم حرف بوده و لزوم رفع این مشکل به نظر می رسد .

۷ در تدریس مجدد مشکل گردش صحیح مجری در سطح کلاس ، برخورد خشک اولیه با دانش آموزان برطرف گردید .

۷ مجری با طرح سوالات مختلف و طرح جملات ناقص جهت تکمیل آن توسط دانش آموزان کم حرف سعی در فعال کردن دانش آموزان می بودند .

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول :

مقدمه ۲

۷تعریف و تبیین مساله و توصیف چالش های موجود و تعیین وضعیت مطلوب .. ۳

۷تعیین ضرورت و اهمیت موضوع..... ۳

۷تعیین اهداف ۴

۷تعیین سوالات درس پژوهی (تبدیل اهداف به سوالات پژوهشی) ۴

فصل دوم :

• توصیف ویژگی های طرح درس (سناریو)..... ۶

• نحوه ی اجرا..... ۶

• تعیین امکانات مورد نیاز و چالش های فراروی ۱۹

• زمانبندی تدریس و وظایف محوله ۱۹

• روش تعیین اثر بخشی نتایج اجرای درس پژوهی ۲۰

• نتایج حاصله ۲۰

فصل اول :

۷مقدمه

۷تعریف و تبیین مساله و توصیف چالش های موجود و تعیین وضعیت مطلوب

۷تعیین ضرورت و اهمیت موضوع

۷تعیین اهداف

۷تعیین سوالات درس پژوهی

با عنایت به رویکرد جدید نظام آموزشی و تأکید موکد در سند چشم انداز وزارت آموزش و پرورش و توجه و تأکید مقامات ارشد نظام بالاخص مقام معظم رهبری درونی سازی بحث خداشناسی در بین دانش آموزان و هدایت ایشان به سوی حیات طیبه ، بر آن شدیم تا راه کارهای موثری جهت تدریس درس خداشناسی بیابیم .

از آن جا که در زندگی امروزی به دلیل صنعتی شدن ، ایجاد شبکه های مختلف ماهواره ای و اینترنتی توسط امپریالیسم فرهنگی ، که با اهداف کاملاً مشخص سعی در نابودی اعتقادات راستین مردم ما مخصوصاً نسل آینده دارند ، توجه به معنویات و خداوند بسیار حیاتی و مهم بوده و وجه خاص و ویژه به آن می تواند تضمین کننده ی سلامت فکر و اندیشه و فرهنگ غنی مردم و کشور عزیزمان باشد .

لذا احساس کردیم که توجه به معنویات و نعمت های الهی در بین نسل امروزی ، کم رنگ شده است . هرچند در آموزش و پرورش توجه ویژه به درس هدیه های آسمانی و تدریس درست و آگاهانه آن می تواند افراد با ایمان و متعهدی را به جامعه تحویل دهد . اما بر آن شدیم تا روشی بهتر و جذاب برای دانش آموزان در درس هدیه های آسمانی بیابیم . تادانش آموزان وجود خدا را و نعمت هایش را در زندگی خود احساس کنند و با دید بازتری به محیط اطراف خود بنگرند .

معمولاً در مناطق دور افتاده و محروم به علت تعداد اندک دانش آموزان ، کلاس های آموزشی به صورت چند پایه تشکیل می گردد ، تا دانش آموزان این مناطق نیز از آموزش رایگان دولتی برخوردار گردند .

تدریس در کلاس های چند پایه مشکلات فراوانی دارد که اگر روش های مناسب تدریس در زمان محدود آموزشی اتخاذ گردد ، می تواند ما را به اهداف آموزشی نزدیک کند .

مساله :

عدم توجه دانش آموزان به نعمت های موجود در خود و اطراف خود و وجود خداوند در زندگی روزمره به عنوان خالق هستی که وجود آن در تمام شئون زندگی ساری و جاری است رامی توان در اعمالی مانند : عدم توجه به نعمت های خداوند با اهمیت ندادن به آن ها ، اسراف و تبذیر ، شروع نکردن کارها با نام خدا... که با بررسی علل و عوامل آن ها و سعی در برطرف کردن یا کم کردن اثر عوامل موثر بر این امر می توان دانش آموزانی را تربیت کرد که: قدر نعمت های الهی را بدانند، در استفاده ی از نعمت های الهی اسراف ننمایند ، قبل از شروع هر کاری نام خداوند را بر زبان بیاورند و به خالق هستی فکر کنند .

اعضای گروه بر آن شدیم تا این مشکل را که به نظر اعضا ، مشکلی مهم و حیاتی و موثر در تمام ارکان زندگی دانش آموزان می باشد را با روش تدریسی که رهنمون کننده ی دانش آموزان به اهداف آموزشی و تربیتی که همان ((خداشناسی)) می باشد حل نماییم .

عدم توجه دانش آموزان به نعمت های الهی و عدم توجه به وجود خداوند به عنوان قادر مطلق ، آفریننده ی نعمت های فراوان ، خالق بی همتا و یاریگر در تمام مشکلات ، می تواند معضلات عدیده ای را به وجود آورد که کوچکترین آن ها بها ندادن به ارزش داشته ها ، نا امیدی در صورت بروز کوچکترین مشکل ، نداشتن هدف در زندگی و احساس خلاء عاطفی، عدم احساس پشیمانی و ترس معنوی در

صورت انجام کار اشتباه و... می باشد . که معلم می تواند با یک روش تدریس خوب ، با موضوع ((توجه به نعمت های خدا ، دعا و تشکر از او)) با در نظر گرفتن شرایط سنی و اجتماعی و خانوادگی دانش آموزان این مشکلات را به حداقل رسانده و چراغ راهی برای دانش آموزان روشن نماید . هر چند نباید از تاثیر ویژه ی میزان اهمیت دادن خانواده به آموزه های دینی نیز غافل شد . به معنای دیگر هماهنگی و همراهی خانواده بلا شک تاثیر مثبتی بر شکل گیری ((شخصیت الهی)) بر دانش آموزان دارد .

تعیین ضرورت و اهمیت موضوع :

از آن جا که پرداختن به موضوع خداشناسی و درک جایگاه (خداوند) در زندگی روزمره بسیار مهم و ضروری است و رفتار و منش فرد در اجتماع (مانند وجدان کاری ، رفتار مناسب با پدر و مادر ، معلم و دیگران ، استفاده ی بهینه از نعمت های خداوند در زندگی مخصوصا انرژی و اسراف نکردن آن ها ، رابطه ی مستمر با خالق هستی و دوری از کارهای زشت و ...) به انحاء مختلف رابطه ی مستقیمی با این امر دارد.

لذا ((خداشناسی و توجه به نعمت های خداوند ، دعا و تشکر از آفریده ها و نعمت های خداوند)) جزو اهداف غایی آموزش و پرورش بوده و در سند تحول نظام آموزشی نیز به صراحت و موکد به آن اشاره شده و (ارتباط با خدا و وجود حیات طیبه و تربیت دانش آموزان متعهد و متدین) به عنوان اهداف تربیتی آموزش و پرورش ذکر گردیده است. که در صورت پرداخت صحیح به این موضوع موجب ایجاد صفاتی چون با ایمانی ، متعهد بودن و اتکا به خدا می گردد.

همچنین پرداختن به این موضوع باعث می شود ، دانش آموزان با توجه به نعمت های خداوند به وجود خدا پی برده و معلم در برخورد با نظرات دانش آموزان توجه و ظرافت های لازم را داشته باشد .

هدف پروژه :

رشد توجه دانش آموزان به نعمت های خداوند و ایجاد محبت و ارتباط با خدا از طریق دعا و گفتگو و سپاسگزاری از نعمت های خداوند .

سوال پژوهش :

چگونه می توان در دانش آموزان توجه به نعمت های خداوند و ایجاد محبت و ارتباط با خدا از طریق دعا و گفتگو و سپاسگزاری از نعمت های خداوند را ایجاد نمود .

ویژگی دانش آموزان امروزی :

عدم توجه هدفمند به محیط اطراف و کمبود و نقص در توانایی لازم برای انجام فعالیت های مستقل به دلیل عدم اعتماد به نفس و توکل به خدا

دانش آموزان توجه داشته باشند ، تا راهکارهای بهتری برای اصلاح تدریس ارائه دهند .

ویژگی دانش آموزان آرمانی :

توجه هدفمند به محیط اطراف

- هر چه می خواهند ، از خدا ، می خواهند .

- دوستدار گفتگو با خدا .

- سپاسگزار نعمت هایی است که خداوند به آن ها داده

- به خداوند (به عنوان تنها قدرت مطلق) اعتماد دارد .

فصل دوم :

۷ توصیف ویژگی های طرح درس (سناریو)

۷ نحوه ی اجرا

۷ تعیین امکانات مورد نیاز و چالش های فراروی گروه

۷ روش تعیین اثر بخشی نتایج درس پژوهی

۷ تعیین امکانات مورد نیاز

این درس به روش پرسش و پاسخ و روش نوین بارش مغزی انجام گرفت که با توجه به استفاده ی از تجربیات ساده و شخصی و روزمره ی دانش آموزان و بیان آن ها به روش های مختلف و استفاده ی معلم از بیانات و ایده های دانش آموزان و بازخورد آن توسط دانش آموزان ، به خوبی توانست معلم را به اهداف تعیین شده ، برساند .

ویژگی های طرح درس (سناریو)

. توجه ویژه به تفاوت های فردی در بین دانش آموزان

. اهمیت نحوه ی رفتار معلم با دانش آموز

. ایجاد جو دوستانه و همراه با شوخی جهت جلوگیری از خستگی دانش آموزان

. استفاده ی بهینه از حداقل امکانات

. تدریس توانمند در دو پایه ی متفاوت با دانش آموزان متفاوت از لحاظ سنی و رسیدن به اهداف تعیین شده .

. توجه به دانش آموزان ویژه و کم حرف .

- استفاده از تجربیات نو و به روز و در دسترس دانش آموزان جهت تدریس .
- مشارکت کلیه ی دانش آموزان در امر تدریس .
- تقویت هوش بینایی ، شنوایی و گویایی در دانش آموزان با طرح پرسش های گوناگون

نحوه ی اجرا :

گروه از سه عضو تشکیل شده است که همه ی آن ها با هم رابطه ی فامیلی دارند به همین دلیل با توجه به اینکه محل کارشان دور از هم است ، تشکیل جلسات در منزل بوده است .

بسمه تعالی

سناریوی آموزشی:

عنوان درس : خداشناسی (هدیه های آسمانی)

موضوع درس کلاس سوم : همیشه با من (توجه به نعمت های خداوند و سپاسگزاری از آن)

موضوع کلاس چهارم : امید من (تقویت و ایجاد علاقه و محبت نسبت به خداوند)

پیش نیاز ها برای کلاس چهارم : درس های ((لبخندها و گریه های من ، شامگاه پاییزی ، کودکی بر آب))

پیش نیازها برای کلاس سوم : سه درس اول کتاب هدیه های آسمانی

مدت زمان اجرا : ۳۰ دقیقه

مواد و امکانات لازم : کتاب هدیه های آسمانی کلاس سوم و چهارم ، مداد ، کاغذ (۱/۴ برگه ی A۴)

تعداد دانش آموزان : ۸ نفر (۴ نفر سوم - ۴ نفر چهارم)

روش تدریس : پرسش و پاسخ و سخنرانی و بارش مغزی

معلم پس از در زدن وارد کلاس می شود و نماینده ی کلاس (زهرا پور یکتا) به احترام معلم کلاس ، بر پا می دهد و دانش آموزان به پا خاسته و یک صدا می گویند : سلام صبح به خیر .

معلم : سلام صبح شما هم به خیر .

دانش آموزان : ممنون

معلم : بسم الله الرحمن الرحيم . بفرمایید بنشینید . چه خبر خوبید ؟

دانش آموزان : ب...له .

معلم : خدا را شکر ، سالم هستید ؟

دانش آموزان : ب...له .

معلم ادامه می دهد : حتما سالم و تندرست بودید که تونستید به مدرسه بیایید !!

دانش آموزان : بله

معلم : خوب خدا را شکر ، (ادامه می دهد) من هم سالم و تندرست بودم (که) تونستم امروز هم پیام پیش شما ، چه درسی داریم ؟

دانش آموزان : هدیه های آسمانی .

معلم:کدوم درسید؟

دانش آموزان : درس چهار .

معلم : بچه ها اومدنی چیزی حواس شما را به خودش جلب نکرد ؟چیز جدیدی ؟ چیز تازه ای ؟

دانش آموزان : چرا !

فاطمه : سبزه هایی که تازه رشد می کنند .

امیر حسین : درختان !

معلم : درختان زیبا !

فاطمه : گل ها !

معلم : گل ها ؟ گل ها در اومدند مگه ؟

فاطمه : بله ! گل های ریز

سید جواد : خونه های زیبا .

معلم : در واقع آشیانه های شما !

زهرا (سوم) : گنجشک ها .

معلم : دیگه ؟

زهرا : ابر ها ، خورشید خانم !

معلم : ابر بود مگه ؟

دانش آموزان : (با اشاره ی سر) بله .

معلم : حتما ابر بوده که شما دیدید دیگه ، اگه نبود که نمی دیدین !

معلم بر روی تخته سیاه می نویسد : ((ربنا علیک توکلنا)) و با صدای بلند تکرار می کند .

معلم : کی می دونه یعنی چی ؟

دانش آموزان دست های خود را بلند می کنند .

سید جواد : پروردگارا تکیه می دهیم به تو .

معلم : تکیه می دهیم !

امیر حسین : تنها به تو تکیه می دهیم .

معلم البته خیلی خوب بود ، کلاس سوم هم تونست بگه . پروردگارا ما ؟ (همه ی دانش آموزان یک صدا) تنها به تو تکیه می دهیم .

معلم : چرا تنها به خدا تکیه می کنیم ؟ نمی تونیم به کس دیگه ای تکیه کنیم ؟

فاطمه : چون که همیشه پشتیبان ماست .

معلم : چرا پشت و پناه ماست ؟

مجتبی : چون مهربونه .

زهرا (سوم) : ما بنده های اونیم .

معلم : بله ! ما بنده های اونیم ! درس های قبلی یادتون ؟

دانش آموزان سوم : مهربانترین دوست . (و تکرار معلم : مهربانترین دوست . به مورچه ی کوچولوی ریز قدرتی داده تا بتونه دانه های ریز رو بره و هیچ موقع هم خسته نشه) یا به گنجشک زیبا آشیونه داده . یا در درس کودکی بر آب . کی می تونه داستان رو تعریف کنه ؟

فاطمه : یه روزی فرعون دستور داد هر بچه ی پسری که به دنیا می آد اونو بکشند . اما مادر موسی (ع) اونو داخل سبدی گذاشت و انداخت تو آب . زن فرعون (آسیه) هم او نو گرفت

معلم : مادر موسی (ع) سبد رو گذاشته بود روی آب و نمی تونست مواظب اون باشه ، پس چه کسی مواظبش بود ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم : چه کسی حواسش بهش بود ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم : چه کسی به مادر موسی الهام کرد که صندوق را داخل آب بیاندازد ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم : چه کسی مهر موسی را در قلب آسیه انداخت ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم : خدای مهربون خیلی چیزها به ما داده که ما نمی بینیمشون اصلا و خبر ازشون نداریم اما داده ! و وقتی نیستند تازه می فهمیم و می گیم : ای وای .

اگه دستتون اوف بشه (خنده ی دانش آموزان) چی می شه ؟ دستمون دردش می آد دیگه! و می گیم وای دردم گرفت و ... یه انگشت کوچیک ! حتی انگشت کوچیک نیز سلامتی اش چقدر ارزشمند است و دردش چقدر ناراحت کننده است . خوب بچه ها ، دیگه چی ؟ چه چیزهایی هست که با بودنش شما احساس می کنید که چقدر توانمندید و...

دانش آموزان : خانم ، توانایی ، سلامتی

معلم : توانایی چی ؟

امیرحسین: علم و دانش

معلم : کسب علم و دانش. یعنی چی ؟ همین که می تونید بیاید مدرسه . با پاهاتون . لذت ببرید، شادی کنید ، ناراحت بشید . تا دردمون گرفت بفهمیم دردمون گرفته ، خود درد هم یه نعمته ، مثلا من مریض باشم یا آتیش گرفته باشم البته خدای نکرده ها (خنده ی بچه ها) اگه درد نداشته باشم از کجا باید بفهمم ، داد بزنم ؟ آب بیارم و... خودمو نجات بدم ، اگه درد نباشه که نمی شه ! می سوزم تموم می شم بعد می بینم ای وای .. (خنده ی بچه ها) پس خود درد هم چی ؟

دانش آموزان : نعمته .

معلم : پس درد هم نعمته ، خدای مهربون برای اینکه ما سالم باشیم درد را گذاشته تا ما سالم باشیم راحت تر زندگی کنیم.

معلم شروع به تدریس درس می کند و خطاب به دانش آموزان می گوید: سوما به کتاب خودشون نگاه کنند و چهارم ها هم به کتاب خودشون . موضوع درستون مشترکه و می تونین با همدیگر بحث کنید و از نظرات دوستاتون استفاده بکنید . من دوست دارم شما جزوی از این تصویر باشید . یعنی چی ؟ یعنی کتابتون را ور دارید و برید کنار آب ! رو درخت تو آسمون یا هر چیزیا هر جا که دوست دارین باشین . هر کجایی که دوست دارید خودتون را تصور کنید . هر چیزی که احساس می کنین ، اگه خودتون را و یا سرما و احساس می کنین اگه چیزی می بینین به من بگین .

امیر حسین : خانم ، پرنده .

معلم : دیگه چی ؟

دانش آموزان : درخت .

معلم : (خطاب به امیر حسین) کجای درخت وایسادی ؟

امیر حسین : کنار دو تا درخت !

معلم (با لبخند) : مواظب ابش نیفتی تو آب !

فاطمه : خانم من اینجام !

معلم : اینجا مگه کجاست ؟

فاطمه : خانم گلند دیگه !

معلم : مواظب باش گل هارو نچینی و زیبایی طبیعت را از بین نبری . (معلم سعی می کند در فرصت های مناسب نکاتی ایمنی و فرهنگی را در جهت تقویت دوستی با طبیعت گوشزد کند)

زهرا (سوم) : خورشید .

معلم : (بالای سرسید جواد) : تو کجایی ؟

سید جواد : اینجا .

معلم : اوه چقدر دور ! کی می خواهی برگردی خونه . (خنده ی بچه ها)

معلم رو به رضا : تو کجایی ؟

رضا : اینجام .

معلم : پس کوشی ! (به شوخی)

رضا لبخند می زند. و معلم ادامه می دهد. می بینی رضا رفته خودشو نقاشی کرده تو این تصویر و فردا میاره می گه این هم سند . من هم اونجام باور کنید (خنده ی بچه ها)

معلم : دیگه چی میبینید ؟ حالا که همگی تون اونجااید و خیالم راحت که همتون اونجااید دیگه چی می بینید ؟

امیر حسین : خانم ستاره ، ماه ، خورشید ، ابرها

معلم : بچه های کلاس سوم ، چهارم ها اون جان دیگه ! صدای بلبل ها رو می شنوید ، صدای گنجشک ها رو .

رضا : ابر ها ،

سید جواد : ماهی ها دریا .

زهرا : سنگ ها .

معلم : چشمتونو ببندید و خودتونو حس کنید در اونجا و لذت ببرید از کنار طبیعت بودن .

سوم ها اینجا کجاست ؟

سوم ها : کره ی زمین .جایی که ما ...

معلم: چیکار می کنیم ؟

دانش آموزان : در اون زندگی می کنیم .

معلم : کی اونجا را برای ما خلق کرده ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم: که در اونجا چی کار کنیم ؟

دانش آموزان : زندگی کنیم .

معلم : چیزی هم به ما داده یا دست خالی هستیم اونجا .

دانش آموزان : همه چی داده .

معلم : همه چی داده مثل ؟

دانش آموزان : خورشید ، گرما ، سرما (امیر حسین)چهار فصل((زهرا سوم) : آب

معلم : آب مایه ی حیات است و اگه نباشه زندگی هم نیست .

دانش آموزان : خونه .

معلم : اگه خونه نباشه چی می شه ؟

سید جواد (به همراه بقیه ی بچه ها) : ما بیرون زندگی می کنیم .

معلم : آه چقدر غم انگیز (بچه ها می خندند)اما خدای مهربون به ما خونه داده ، از سرما نمی میریم ...

معلم : دیگه ؟

سید جواد : ماه .

معلم : گل های زیبا ، ماهی های زیبا .و با اشاره به کتاب پنجم ها : اینجا کجاست ؟

دانش آموزان : سکوت

معلم : ای وای حواسشون نیست !

دانش آموزان لبخند می زنند و معلم مطالبی را یادآور می شود و ادامه می دهد .

معلم : آفرین . چهارم ها از روی درس خودشون بخونند شعرشو . تا من روخونی کلاس سومو می کنم شما می تونید شعر رو تمرین بکنید . من برای شما نمی خونم اما اگه دیدم اوضاعتون خیلی خرابه ناچارم بخونم دیگه . (خنده ی بچه ها) . معلم رو به دانش آموزان کلاس سوم : من از روی درس می خونم شما هم سعی کنید بهتر از من بخونید یا مثل من بخونید ، یعنی اونجایی که باید وایسید وایسید و ... خلاصه زیبا بخونید دیگه . و معلم شروع به خواندن می کند . (هم زمان با روخوانی درس به بچه ها سر می زند تا خط خوانی آن ها را کنترل کند) . پایان درس با جمله ی ((من هم ...)) می باشد که معلم با تکرار این جمله سعی در جلب مشارکت دانش آموزان در بحث می کند . ((من هم ... ؟))

...سید جواد : به خاطر نعمت های تو از تو سپاسگزارم

...رضا : به خاطر آفریده های تو سپاسگزارم

...زهرا (سوم) : از اینکه ما را آفریدی از تو سپاسگزارم .

... الهه : سکوت معلم : (تکرار) من هم؟

الهه : سپاس ...

معلم : سپاسگزارم . می تونی بیشتر از این بگی . من هم چی ؟ راحت تر بگی . احساس تو نسبت به خدا . من براتون برگه می دم راحت هر چی که دوست داشتین تو این برگه ها بنویسید . البته می گم چی بنویسید و در مورد چی بنویسید . تا من درس اینا رو می خونم (چهارم ها را) شما از روی درس یک بار بخونید .

معلم رو به کلاس چهارم ها : کی فکر می کنه که می تونه خوب بخونه ، با احساس بخونه ؟ همتون ؟

پس فاطمه تو بخون . سعی کن با احساس بخونی و ما رو بری تو حس این تصاویر زیبا ! و فاطمه شروع به خواندن می کند . بعد از چند خط با دستور معلم زهرا شروع به خواندن بقیه ی درس می کند . هر کدام از بچه ها چند خط می خوانند تا درس تمام می شود . در حین روخوانی درس معلم غلط های روخوانی را اصلاح می کند .

معلم : اعضای یعنی چه ؟ (بچه ها ساکتند) . قسمت های بدن ، دست ، پا

معلم : اعضای هماهنگ با یکدیگر و در نهایت زیبایی . یعنی چی ؟ (پس از چند بار پرسیدن معلم بیشتر توضیح میدهد) یعنی مثلاً فاطمه میاد کلاس می بینیم کله اش به ور می ره ، دستش به ور میره ، پاش به ور می ره ، می شه همچین چیزی ؟

دانش آموزان : نه !

امیر حسین : یعنی همه ی بدنش به جاست .

معلم : هماهنگ با همند . وقتی مغز دستور می ده دست بیاد بالا میاد بالا ، وقتی می خواهی راه بری ، راه می ری ، می خواهی بخونی می خونی ،

چشم می تونست کوچیک تر باشه اما خدای مهربان در نهایت زیبایی آفریده ، تا اون جایی که می تونسته زیبا باشه زیبا آفریده .

مجتبی به خواندن ادامه ی درس می پردازد .

معلم : خوب بود آفرین فقط شما (مجتبی) باید بیشتر سعی کنی بیشتر تلاش کنی خلاصه ما رو ببری تو حسش . یعنی جوری بخونه که وقتی مثلا مجتبی صفحه رو باز کرد بخونه یه جوری بخونه که ما حس کنیم اونجاییم . اما الان می بینیم ا تو کلاسیم . خوب بچه ها دقت کنید اینجا نوشته این شگفتی ها ما را دعوت می کنند به ... به چی ؟

دانش آموزان همراه با زهرا : به تفکر .

معلم : کسی که تفکر نکنه ، کسی که حواسش نباشه دو رو برش چی هست می تونه تشکر بکنه (مثلا) من به شما جایزه ای ، چیزی داده ام ، اگه شما حواستون نباشه یادتون می افته که شما از من تشکر می کنید . اگه حواستون نباشه ؟

دانش آموزان : خیر ... نه

معلم رو به سوم ها : سوم ها خوندند ؟ خوب از کلاس سوم ها هم پرسیم تا از نظرات اون ها هم استفاده کنیم . ببینید بچه ها ، یه کسی یه چیزی داده اما حواسم نبوده ، یعنی توجهی نکردم ، مامانم برای من یه چیزی خریده (یا) همسایه یه چیزی به من داده ، من حواسم نباشه ، اهمیت ندنم می تونم ازش تشکر کنم ؟

دانش آموزان : نه .

معلم : کیا می توندند از خدا تشکر کنند ؟

رضا : با نماز خوندن !

معلم : نگفتم چه جوری ؟ گفتم کیا ؟ چه کسانی می توندند ؟

فاطمه : کسانی که حواسشون هست .

امیر حسین : به نعمت هایی که خدا داده توجه می کنند .

زهرا : سلامتی .

معلم : توجه کنید فرض کنید امروز داشتید می آمدید می بینید که هیچ سبزه ای نیست - دو روز بعد - دوباره دارید می آید مدرسه می بینید گل در اومده ، اون موقع حواستون کجا می ره ؟ فکر می کنید همسایه اومده گل کاشته اینجا ؟ حواستون به کی میره ؟
دانش آموزان : به خدا .

معلم : می گید ای وای خدای من این گل ها چقدر قشنگند ! همین کار شما ، توجه کردن شما ، همین حواستون بودن چیه ؟

زهرا : نعمته !

معلم : نعمت که هست . اما همین که حواستون به این نعمت ها هست ، به این داشته ها هست ؟ به این داده ها هست ؟

امیر حسین : باید به این گل ها توجه کنیم !

معلم : نه ، بذار به جور دیگه بگم . شما دارید می آید می بینید خدای مهربون به چیز تازه داده ، به چیز جدید داده ، گل داده کنار دم در خونتون ، خیلی و ساده و دم دستی ، شما اگه حواستون باشه می گین : وای خدای من ... در واقع دارین توجه می کنین ، به این می گن سپاسگزاری . وقتی من به شما این رو می دم (اشاره به یک پاک کن) شما می گید : وای خانم ممنون ... وقتی توجه بکنید می گید ممنون ، متشکر . یا مثلاً همسایتون به چیزی به شما داده باشه شما همینطوری نمی گیرید (بدون اینکه تشکر کنید) و بعد بگید خداحافظ ، البته حتی خداحافظی هم نمی کنید چون که توجهی نکردید . یا بفرمایید به سبد میوه برای شما ، شما هم بگیریید بگید : خوب و بعد بذارید سر جاش . این اصلاً با عقل جور در می آد ؟

دانش آموزان : نه

معلم : چیکار می کنیم؟

دانش آموزان : ازش تشکر می کنیم .

معلم (با طنز) : می گیم بیشتر بده !! (همه ی دانش آموزان می خندند) ازش تشکر می کنیم .

معلم : سوم ها ! من برگه هایی بهشون میدم تا در اون هر چی که خدا بهشون داده ازش تشکر کنند ، من نمی دونم خدا بهشون چی داده ، خودشون بهتر از من می دونند . خدا چی داده بهشون . پس برای خدا به نامه می نویسند . که تشکر و سپاس گزاری توش باشه ، می تونه نامه باشه ، می تونه مطلب باشه ، به هر حال می خواهیند چی کار کنید ؟

دانش آموزان سوم : از خدا تشکر کنیم .

معلم : چهارم ها هم با خدا گفتگو می کنند ، به دعایی ، خواسته ای ، قبل از اینکه بنویسید سوالی بکنم . شما از چه کسی به چیزی می خواهید ؟ مثلاً شما پول لازمید ، نیاز پیدا کرده اید به به پولی یا مامان داره غذا می پزه ، می بینه پیاز نیست سیب زمینی نیست ، تو مغازه هم نیست کلاً قحطی شده ، (بچه ها می خندند) قرار باشه از همسایه هاتون به چیزی بگیری سراغ کدوم همسایتون می رید؟

امیر حسین : اونیه که مهربونه .

معلم : اونیه که داره و نمی ده یا اونیه که نداره یا اونیه که داره و مطمئنی اگه بری دم درش سیب زمینی یا هر چیز دیگه ای که می خواهی را می ده ؟ سراغ کدوم می رید ؟

دانش آموزان (امیر حسین با صدای بلند) : اونیه که داره و می ده .

معلم : یا باباتون پول لازمه ، سراغ کدوم همسایتون می ره ؟ اونیه که داره و می ده ؟ یا اونیه که داره و نمی ده ؟

دانش آموزان : اونیه که داره و می ده .

معلم : کی هست که همه چی داره ؟

دانش آموزان : خداوند .

معلم : خدای مهربون .پس می تونین خواسته هاتون رو ، دعاهاتون رو ، گفتگوهاتون رو ، این دیگه به میل خودتون هست ، از خدا بخواهین .
من می توانم کلاس چهارم ، من می توانم با خدای مهربان خود گفتگو کنم و به او بگویم ... یا دعاهاتون رو بنویسید یا خواسته هاتون رو
کلاس سوم ها هم سپاسگزاری است که سپاسگزاری هاتون رو از خدا باید بنویسید .معلم وقتی می بیند زهرا می خواهد نظرات خود را به
الهی که از اول کلاس ساکت بود (به دلیل اینکه اصولا دانش آموز کم حرفی است و وجود دوربین و ناظران همکار نیز این امر را تشدید کرده
بود) تلقین کند می گوید : قلب نکنین ها (نظرات شخصی خودتون رو بنویسید) نگین بینم این چی نوشته یا اون بهتر نوشته (و به اون
نگاه کنم) هر کی هر چی که می خواد با خدا گفتگو کند را بنویسد .برای خودتون را ، خودتون و خداتون رو تصور کنید .هر کی برای
خودش رو بنویسه .

امیر حسین : خانم به من کاغذ ندادین !

معلم در حالی که یک برگه می برد تا به امیر حسین بدهد : می گم آخه چرا برگه اضافه اومد .برگه را به امیر حسین تحویل می دهد .
دانش آموزان شروع به نوشتن دعاها ، آرزوها و گفتگوهای خود با خدا می کنند .

توجه مجتبی به اطراف است ، معلم می گوید : چیزی لازم داری مجتبی ؟

مجتبی : نه !

معلم : پس بنویس دیگه !

زهرا با نگاه کردن و گفتن به صورت آرام به خانم می فهماند که تمام کرده است . معلم می پرسد : تموم کردی ؟

زهرا : بله .

معلم : صبر کن تا بقیه ی بچه ها هم تموم کنند ... به دور بخون بین اون چیزی که دوست داشتی شده یا ن ؟ نوشتی یا نه ؟

سید جواد نوشته اش را وقتی کامل کرد و تمام شد برگه را خواست به معلم تحویل دهد که معلم گفت : باشه پیشت اجازه بده همه تموم
کنند .

معلم جهت راهنمایی و اضافه کردن آموخته های دانش آموزان می گوید : بچه ها ببینید ، هر کی می خواد خداشو بهتر بشناسه .یعنی همانطور
که خدا دوست داره باشه . باید حواسش به دور و برش باشه ، یعنی اینکه ببینه چی داره ؟ چی نداره ؟ چرا داره ؟ کی داده ؟ مثلا وقتی عید
نوروز وقتی می خواین جایی برین حتما حواستون به دو رو بر خودتون باشه ، حواستون به این باشه که امروز چی بیشتر دارم چی کمتر دارم
؟چی باید حذف کنم در مقابل خدای مهربون چی رو باید اضافه کنم . تا از زندگی خودتون بیشتر لذت ببرید .هرکی بیشتر توجه کنه راضی
ترو خوشحال تر است .کسی که حواسش نباشه به داشته های خود ش داده های خدای مهربون که بهش داده ، نمی تونه خوشحال باشه ،
مثلا وقتی (به) شما هدیه ای می دن خوب شما خوشحال می شین ، می گید : وای چقدر منو دوست داشته به من این همه وسایل هدیه داده
، خوشحال می شین خدای مهربون اینهمه دوستتون داره .

معلم رو به زهرا : خوب ، نوشتین ؟ - : الهه کمی زود باش . شما (رو به سوم ها) می خواستین سپاسگزاری بنویسین . شما هم (رو
به چهارم ها) دعا و گفتگو .

معلم به حالت طنز : در دعاهايتان ما را فراموش نکنيد . ببينيم کی ما رو فراموش کرده کی نکرده ! خوب ديگه وقت تمومه بچه ها .

معلم : بخون ببينم سيد جواد چی نوشتی ؟

سيد جواد : خدايا من شما را سپاسگزاری می کنم و می دانم که همیشه مرا یاری می کنی تا از نعمت هایی که به ما داده ای خوب استفاده کنیم .

معلم :رضا تو بخون .

رضا : خدا را سپاسگزارم که به من نعمت های فراوان بخشیده مثل خانه ؛درختان ؛ابر.خورشید آسمان آواز پرندگان.....

معلم : معلومه هنوز ادامه داشته ها ،وقت نداريم ، اگه دوست داشتی می تونی بنویسی و بعدا بهم بدهی ،يا برای بچه ها بخونی . باشه !!

معلم رو به زهرا (سوم) : شما ؟

زهرا : ای خدای مهربان من با نماز خواندن روزه گرفتن از تو تشکر می کنم.

معلم : آفرین !! الهه شما ؟

الهه : سکوت !

معلم : هنوز چیزی ننوشتی ؟ خوب اگه دوست داشتی بگو .از خدا با يه جمله تشکر کن .

الهه : سکوت !

معلم : خدايا از تو سپاسگزارم که بابا ، مامان به من دادی ، خدايا سپاسگزارم که به من خونه دادی ، خدايا سپاسگزارم که دوستای خوبی به من دادی .درسته ؟ خوب يه کمی هم تو بگو ... تا الهه فکر بکند ، مجتبی تو چی نوشتی ؟

مجتبی : ای خدای مهربان ...

معلم رو به زهرا که می خواست تا جملات خود را به الهه بگوید و به او اجازه ی فکر کردن ندهد گفت : تقلب تقلب ! خودش ، هر چی دوست داشت بنویسد . (رو به مجتبی) : خوب ! (ادامه بده)

مجتبی : ای خدای مهربان از تو تشکر می کنم که به من پدر و مادر دادی.

معلم (رو به امیر حسین) : شما ؟

امیر حسین : از تو تشکر می کنم که این همه نعمت های زیادی به ما بخشیده ای مثل توانایی، درختان چشم ،بینی ، دهان ، دندان .

معلم : شما زهرا ؟

زهرا : ای خدای مهربان من از شما می خواهم سایه ی پدر و مادرم همیشه بالای سرم باشد وسلامتی به آنها بدهی ومعلمانم سالم باشند.

معلم (رو به فاطمه) : شما؟

فاطمه : خداوندا از تو سپاسگذارم که به من وهمه ی مردم سلامتی دادهای واز تو خواهش می کنم که به مریض ها شفا دهی وکسی که نیازمند است او را کمک کنی خدایا از تو می خواهم که به معلان مهربا نم کمک کنی که از زندگی خود لذت ببرندو پدر ومادر مرا سالم نگه داری

معلم : آفرین همه خوب بود ، خوب الهه فکر کردی ؟ نوشتی ؟

الهه :.خدایا از تو سپاسگذارم...

معلم : خدایا از تو سپاس گزارم که به من داداش خوشگل دادی ، داداش ، داداشتو اینهمه دوست داری نوشتی ، مژده های بلندی داره .(خنده ی بچه ها) خدا حفظش کنه .

خدا همه ی ما را سالم نگه داره ، در عین حال بنده های خوبی باشیم ، معلم خوبی باشیم ، دانش آموز خوبی باشیم و الی آخر .خیلی خوب بود .من از نظرات شما استفاده کردم ، راه که می رفتیم روی کره ی زمین خیلی خوش گذشت . (خنده ی بچه ها) شما چطور ؟ دانش آموزان : بله ، خیلی .

معلم : برای فردا دوست دارم یک نقاشی زیبا بکشین و اون چیزهایی که یادتون رفت ، حواستون نبود بنویسین ، وقت نبود بنویسین رو یه نقاشی زیبا بکشین و سعی کنین نعمت هایی که خدا به شما داده ، زیر اون بنویسین ، ممکنه الان توجه نکنین ! اما برای انجام تکلیف باید بیشتر توجه کنین ، به دور و برتون ، به داشته هاتون ، به اون چیزهایی که تو خودتون هست ، به استعداد هاتون ، به دور و بر خونتون ، به دوستاتون ، کشورتون ، به همه چی ، دیگه بیشتر از این من بگم شما پیدا نمی کنین ، نمی شه ! رضاوسید جوادکه مطالبشون را کامل کرده بودند برگشان را به معلم دادند .

معلم : نوشتید بقیه اش را ؟ و برگه ی آنها را گرفته ، مطالعه می کند .

معلم رو به بقیه ی بچه ها : پس چی شد ؟برای دفعه ی بعد یه نقاشی زیبا می کشین و میارین . نقاشی همتونو می زنم روی بورد همه ببینن ..

خسته نباشید.

دانش آموزان :خانم شما هم همینطور.

(پایان تدریس)

چالش های فرا روی گروه :

چند پایه بودن کلاس های دانش آموزان و عدم درک مشابه از یک موضوع ، با توجه به تفاوت سنی در کلاس های چند پایه و رساندن هر دو کلاس به هدف های تعیین شده در مدت زمان محدود.

ابزارهای لازم جهت نقد و بررسی تدریس انجام گرفته با توجه به تئوریک بودن مبحث ، ابزارهای در دسترس و منابع موجود از جمله موارد ذیل می باشد :

- بحث در مورد اعتقادات و خدانشناسی بحثی است که نیاز به آگاهی بیشتر معلم در آن بیشتر احساس می شود .به همین خاطر قبل از تدریس از کتاب راهنمای معلم استفاده گردید .
- برای انجام تدریس ، هماهنگی های لازم با مدیر محترم مجتمع ((علامه جعفری)) انجام گرفت .
- برای فیلم برداری از صحنه ی تدریس دوربین فیلم برداری توسط یکی از اعضا فراهم گردید .
- تدریس با حضور یکی از همکاران (خارج از گروه به عنوان ناظر) ، رئیس ودبیر گروه و توسط مجری گروه انجام پذیرفت و پس از مشاهده از طریق فیلم برداری از مراحل تدریس و بررسی مجدد و یادداشت برداری در حین تدریس از فعالیت های یادگیری و یاددهی و کنش های متقابل بین معلم و دانش آموز پرداخته شد و در پایان نکات ضعف و قوت به بوته ی بحث گذاشته شد .

زمان اختصاصی جهت انجام مراحل تدریس :

سلام و احوال پرسى : ۲ دقیقه

ایجاد انگیزه : ۲ دقیقه

ارزشیابی آغازین :..... ۴ دقیقه

تدریس درس : ۱۵ دقیقه

ارزشیابی پایانی :..... ۵ دقیقه

تعیین تکلیف :..... ۲ دقیقه

وظایف محوله به افراد گروه بدین شرح است :

آقای بوشی.....رئیس گروه

خانم میرزایی.....دبیر گروه

خانم بکتاش.....مجری طرح

به دلیل اینکه تدریس در یکی از مدارس روستایی که کادر مدرسه متشکل از سه نفر همکار فرهنگی می باشد، از یکی از همکاران به عنوان منتقد ، دعوت به عمل آمد .

روش تعیین اثر بخشی نتایج اجرای درس پژوهی:

قبل از آخرین اجرا ، دو اجرای دیگر نیز - با حضور میهمانان - داشتیم ، به دلیل برخورد خشک معلم با دانش آموزان و دیگری ثابت ماندن معلم در یک نقطه و عدم حرکت فعال مناسب و متعادل د ر کلاس ، و از طرفی دانش آموزان نیز به دلیل وجود دوربین در کلاس و حضور همکاران ناظر ، لذا نیاز به اصلاح مجدد بود .

مجری طرح اگر چنانچه با دانش آموزان به راحتی برخورد کند و با سوالات متفاوت ، آن ها را از جو به وجود آمده خارج کند ، آنگاه به راحتی می تواند کلاس را به حالت عادی در آورد و جوی شاداب و جذاب برای آن ها به وجود آورد .

• امکانات مورد نیاز گروه :

- همکاران آموزشی که در تدریس به عنوان ناظر حضور داشتند .

- امکاناتی که مدرسه در اختیار ما قرار داد ، یک کلاس ، دانش آموزان و مدرسه

- امکانات خارج از مدرسه : دوربین فیلم برداری

نتایج حاصله:

پس از انجام مراحل مختلف تدریس و استفاده از روش پرسش و پاسخ و بارش مغزی و مشاهده ی آن توسط ناظران همکار ، و بیان نقاط ضعف مجری توسط اعضا ، و بررسی مطالب گفته شده ، معلوم گردید که دانش آموزان با استفاده ی از این روش و البته انس و الفت بین معلم و دانش آموز و ایجاد ارتباط قوی عاطفی ، پس از پرسش های مختلف هدف دار و بیان نظرات توسط دانش آموز و هدایت نظرات به سمت اهداف از پیش تعیین شده ، دانش آموز به این نتیجه می رسد که زیبایی های خلقت و نعمت های بیکران خداوندی دور از دسترس نبوده و همان چیزهایی که هر روز می بینند و با آن ها سر و کار دارند و شاید به نظر عادت یا بی اهمیت جلوه می نموده بسیار مهم و نبود آن غیر قابل تحمل می باشد . معلم گاها توجه دانش آموز را به خود جلب می نماید و اهمیت دستگاه های مختلف بدن را و نعمت بزرگ سلامت را - که تا وقتی هست حتی متوجه وجود آن نمی شویم - یادآور می شود و در جایی دیگر به چیزهای اطراف خود مانند چمن و گل دم در منزل ، ابر ها ، آسمان و ... جلب می نماید و از زیبایی های آن سخن می راند که همگی حاکی از اهمیت انسان نزد خدا به سبب خلقت این همه نعمت برای اوست و وظیفه ی انسان نیز سپاسگزاری از نعمت هایی است که خداوند در اختیارش قرار داده است . در پایان نیز تعیین تکلیف منزل که همان ادامه ی بحث ها و گفتگوهای کلاسی می باشد، تکمیل کننده ی اهداف بوده و نتیجه ی دلخواه به دست می آید .

باتوجه به اینکه نتیجه ی این گونه هدف گذاری ها می بایست در عملکرد روزانه ی دانش آموز ظهور و بروز پیدا کند (از قبیل عدم اسراف در مصرف تغذیه ی روزانه ، میوه ها و نان و آب و ...) با بررسی های به عمل آمده در محیط مدرسه و ارتباط مستمر با اولیا در عرض چند روز ، این نتیجه به حمدالله به دست آمده است . یعنی دانش آموز پس از استفاده ی از نان ، میوه ، شیر تغذیه ای ، تغذیه ی روزانه ، آب اضافه ی

آن را دور نمی ریزد . نان و شیر را نگه داشته در فرصت دیگر استفاده می کند . و آب را به اندازه بر می دارد و اگر اضافی ماند پای درخت می ریزد. در شروع کارها از نام خداوند استفاده می نماید و جهت ارتباط مستمر با خدا هر روز چند آیه قرآن می خواندو...